**مصاحبه با NSPrivateKabul030618**

**تاریخ 03 جون 2018**

**مصاحبه در محل تولید (پارک های صنعتی)**

ک: اول این که تشکر از این که حاظر شدید به مصاحبه. سوال: وظیفه ی شما چیست در شرکت؟

NSPrivateKabul030618: [نام شخص] هستم رییس شرکت پلاستیک‌سازی [نام شرکت].

ک: تصمیم گیرنده ی اصلی در شرکت شما هستید؟

NSPrivateKabul030618: بله ها.

ک: تعداد کارگر؟

NSPrivateKabul030618: فعلا که ماه مبارک رمضان است یک 35 نفر فعلا کار می کنه.

ک: در بخش های مختلف هستند یا؟

NSPrivateKabul030618: هر کدامش شغل کاریش متفاوت است. که یکیش در کدام ماشین کار کنه و دیگرش در کدام ماشین.

ک: کارگرها دایمی هستند یا مقطعی؟

NSPrivateKabul030618: کارگرها دیگه برای دایم هستند [منظور سوال را درک نتوانسته مصاحبه‌دهند و درازمدت را با دایمی یا کارگر قراردادی اشتباه گرفته است] الی این که کدام مشکل خانوادهگی یا مشکلاتی در زندگی شان پیش می آیه باز میرن و در جایشان دیگر کس استخدام می کنیم.

ک: منظورم این که قرارداد امضای می کنن یا [قطع]

NSPrivateKabul030618: خوب یک قراردادی ما داریم که امضا می کنیم که مثال حد اقل برای یک ماه اگر کار می کنی [...] چرا که تا یک ماه و یک و نیم ماه ره همو چهار طرف کارخانه ما ره [حتا] بلد نمیشه یک کارگر. اگر یک ماه و نیم ماه کار ضرورت داشته باشه او رقم کارگر ره ما در همو ابتدا استخدام نمی کنیم. این شرط و شرایط ره همرایش می مانیم. هر کدام کارگری که پیش ما کار کرده، 5 ماه، 6 ماه، تا 15 سال کارگر داریم.

ک: شرکت چگونه تولید می کنه: مستقیما با دست، قسما دست و قسما ماشین، نیمه اتومات، کاملا اتومات

NSPrivateKabul030618: بخش های مختلف است. جای دست کار دست ره می بریم [دست انسان دخیل اس]. جایی که اتوماتیک خودش مواد کش می کنه، اتوماتیک کار میشه. جایی که توسط دستگاه است، توسط دستگاه.

ک: یعنی یک بخشش اتوماتیک اس و [قطع]

NSPrivateKabul030618: ای خیر ببینی [بله ها]

ک: نرخ حد اوسط یک کالای تولیدی شما چند است در کابل؟

NSPrivateKabul030618: ما پلاستیک تولید می کنیم کیلویی 95 افغانی. یک لوله ی او میشه 40 کیلو که همو 40 کیلو ره که ضرب کنی چقدر میشه.

ک: برای تولید: پیش‌تولید می‌کنید یا به اساس سفارش؟

NSPrivateKabul030618: ما تقسیم اوقات داریم و طبق آن تولید می کنیم. در پهلوی این که تقسیم اوقات داریم، اگر کسی خواهشی [سفارشی] داشته باشه باز برای او هم سفارشی آماده می کنیم.

ک: به اساس تقسیم اوقات چقدر تولید می کنید در یک ماه؟

NSPrivateKabul030618: حالی این بستگی به فصل بازار داره که اگر بازار یک کمی رو به رُشد باشه، بازار خوب باشه، حد اقل ما در روزی 15 تا 20 هزار کیلو تولید می کنیم. از این 15 تا 20 هزار کیلو، روزی است که 20 هزار کیلو به فروش میرسه و روزی است که [تنها] 3 هزارش به فروش میرسه. این ره دیگه تقسیم بندی این ره در ماهوار می توانیم یا در سالانه می توانیم که بکشیم که ما در همین سال 500 تُن فروشات کردیم یا 600 تُن فروشات کردیم.

ک: خریدارها پس هر روز می آیند از شما تقاضای خرید می کنند؟

NSPrivateKabul030618: ما لست داریم، ما همین 34 ولایت افغانستان ره که بار میتیم [...] مثال بار کندز، امروز زمینه اش مساعد است برایش راهی می کنیم. از قندها ره به صبح راهی می کنیم. همین رقم.

ک: خریدارها از قبل معلوم است.

NSPrivateKabul030618: معلوم است. همگی اش مشتری دایمی ما است. اونی که تازه خریداری می کنه، پیسه اش ره به نمایندگی در مندوی می پردازه باز برایش مال روان می کنیم.

ک: شما اوگرایی می فروشید یا نقد؟

NSPrivateKabul030618: همی کلِ بازار افغانستان فعلا به شکل اوگرایی است. اگر ما 10 لک افغانی ره فرضا مال می فروشیم به یک دکاندار مزار یا کندز یا جلال آباد، این حد اقل یک 4 یا 3 لک ره در یک هفته روان می کنه، 3 لکش ره ده دیگه هفته، و 3 لکش ره در دیگه. همین رقم به طور اوگرایی پس برای ما پول می پردازند.

ک: یک دلیل که رابطه ی شما با مشتری ها پابرجا می مانه همین اوگرایی نیست؟

NSPrivateKabul030618: همین اوگرایی است. چرا که ما آنها را تثبت کرده ایم که مردم حق‌بده هستند و حق ما ره ضایع نمی کنند و حق ما ره نمی خورند با آنها کار می کنیم. کسی که شغل و دغل می کنند و حق ما ره می خورند، باز با او مردم ما کار نمی کنیم. رابطه ی مان ره همراهشان قطع می کنیم.

ک: ارزش کلی دارایی های شرکت چقدر است به شمول ماشین و تعمیراتی که دارید، همه ؟

NSPrivateKabul030618: شاید در حدود 2 میلیون دالر شوه.

ک: معاش کارگر چند است؟

NSPrivateKabul030618: معاش کارگر از 7 هزار افغانی گرفته تا 18 هزار افغانی.

ک: بیشتر شان چند است؟

NSPrivateKabul030618:‌ بیشتر شان از 8 تا 12 هزار افغانی است. آنهایی که 18 هزار هستند کس هایی هستند که در این شرکت سابقه دار هستند در این شرکت، حد اقل 7 سال یا 8 سال سابقه ی کاری دارند.

ک: شرکت شامل کدام اتحادیه ی صنعتی هم است؟

NSPrivateKabul030618: ما اتحادیه داریم، انجمن داریم. در پارک های صنعتی که انجمن صنایع افغانستان نامگذاری کرده ایم و اتحادیه هم داریم که رییس اتحادیه ی ما [نام شخص] صاحب است.

ک: چند سال است که شرکت فعال است؟

NSPrivateKabul030618:‌ 12 سال میشه که فعالیت می کنه شرکت.

ک: کدام وقتی شده یا زمانی شده که تجارت قبلا رونق داشته و در همو سال به گونه ی مشهودی رکود کرده باشه؟

NSPrivateKabul030618: این ره خو ما در هر لحظه در هر ساعت فعلا تجربه این ره می کنیم. حالی، شما این اعصار [خارجی] ره سیل کو اگر یک مشکل داخلی در افغانستان پیدا میشه ببین که اعصار بالا میره. اگر مشکلات اندکی کم میشه و امن میباشه در افغانستان باز می بینی که دالر ارزشش پایین میایه. بسیار نزدیک به همینجه، سرای شهزاده ره برایتان مثال میتم. دیگه، مثال در یک مسیر ما تجارت داریم اگر در مسیر راه کمی هم بار ما به زودی برسه، به قیمت ارزان فروخته میتانیم اگه به مشکلات زیاد او ره برسانیم مجبور هستیم که قیمتش ره بالا ببریم.

ک: وقتی که شما از کار کاملا فارغ میشین، در وقت فراغت چی می کنید؟

NSPrivateKabul030618: مه که از ساعت 7 صبح که می آیم و مصروف کار و بارم میباشم، اگر ساعت 4 که حالی در ماه مبارک رمضان کار ره توقف میتیم و کارمندهای ما ره رخصت می کنیم و میرند، خود ما موتر ره سوار شده میرم خانیم. بعد از او می برایم که اگه یگان میوه و دانه برای افتاری لازم داشته باشند به خانه میارم. ده زندگی [قطع]

ک: پس بیشتر مصروف فامیل تان هستید؟

NSPrivateKabul030618: ها بیشتر مصروف فامیل میباشم.

ک: چند فامیل دارید؟

NSPrivateKabul030618: یک دانه زن داریم.

ک: گاهی کتاب هم می خوانید؟

NSPrivateKabul030618: ها! اکثریت وقت که اگر کدام مشکلات روحی در خانه یا در دفتر نداشته باشیم، وقت داشته باشیم مجله می خوانیم، کتاب می خوانیم.

ک: در جامعه که زندگی می کنید، تصویر شما در نزد شما و تصویری که فکر می کنید مردم از موقعیت مالی شما دارد چیست؟

NSPrivateKabul030618: ما از خداوند پاک شکرگذار هستیم که ما ره لایق همی سرمایه دیده و ما در حد همو تجار یا بزنس مین [business man] های بالاتر خوده احساس نمی کنیم. حد اقل در اوسط خوده حساب می کنیم.

ک: تحصیلات تان؟

NSPrivateKabul030618:‌ ما شاهد این هستیم که 30، 35 سال میشه که جنگ بوده در افغانستان و بالخصوص در ایام جوانی ما ما شاهد جنگ های، به گفته ی عام، خانه به خانه بودیم. نُه سال تحصیلات دارم.

ک: اگه وقتش ره داشته باشید؟

NSPrivateKabul030618:‌ خُب، به همه یشان پول دارم اما اگه وقت داشته باشم صرف تحصیل می کنم.

ک: منظورم از وقت فراغت بود؟

NSPrivateKabul030618:‌ به یک محیط سرسبز اگه باشه، فرض مثال قرغه باشه که بریم که طبیعت ما دیگه شوه.

ک: نقطه ی شهر؟

NSPrivateKabul030618: سرک سه، پروژه ی تایمنی.

ک: قبلا هم همونجه زندگی می کردید؟

NSPrivateKabul030618:‌ اهم. حد اقل 13 سال میشه که همینجه زندگی می کنیم. پیش از او در دو سرکه ی میدان هوایی که دو سال در اونجه [بودیم].

ک: اطفال به مکتب خصوصی میرند یا دولتی؟

NSPrivateKabul030618:‌ اطفال به مکتب خصوصی میرند.

ک: برای ایجاد شرکت کی ها برایتان کمک رساندند: اعضای فامیل، دوست ها [قطع]

NSPrivateKabul030618:‌ تجربه ای که مه داشتم.

ک: در کجا کسب کردید این تجربه ره؟

NSPrivateKabul030618:‌ ما و شما شاهد هستیم که سه دهه ی اخیر ما جنگ ره دیده ایم. مه تجارت از هرات به کابل ره می کردم، از غزنی به کابل ره می کردم. بعد از او، تجارت از ایران به افغانستانه شروع کردم. تجارت پاکستان به کابل ره شروع کردم. از همین متوجه این کشورها شدم و چشمم باز شد. کشورهای همسایه ره دیدم که اینها خو تولیدی است و تولید می کنند، ما هم دست به همین کار زدیم.

ک: کسی از اعضای فامیل از دوست و رفیق ها [قطع]

NSPrivateKabul030618:‌ برادر بزرگم هم تجارت می کنه.

ک: در ایجاد شرکت کمک کرد برادرتان؟

NSPrivateKabul030618:‌ طبعا دیگه. همو یک مثل عامیانه ما و شما داریم که آدم از آدم پند می گیره، سیب از سیب رنگ بر میداره. تا جایی از پیشش تقلید کردیم و کار و بار ره یاد گرفته ام.

ک: حج؟

NSPrivateKabul030618:‌ همین روز رفتم ثبت نام کردم دیگه. اگه خواست خداوند بود باشه و بخواهه که بروم.

ک: موتر هم دارید؟

NSPrivateKabul030618:‌ دارم ها.

ک: مودلش چیست؟

NSPrivateKabul030618:‌ 2012 کورولا.

ک: به تفریح سفر به بیرون؟

NSPrivateKabul030618:‌ مه برایتان گفتم که آخرین سطح تفریح ما در همی داخل کابل میباشه که یک فضای سبز ره گیر می کنیم، با زن و اولاد ما میریم اونجه و آرامش احساس می کنیم.

ک: چند باب خانه؟

NSPrivateKabul030618:‌ خُب، خانه ی مسکونی که همی یک باب داریم که ده داخلش زندگی می کنیم. و یک تا دیگه داریم که ده 315 هسته و یک تای دیگه داریم که از پدر ما مانده برای ما که در میدان هوایی است. دیگه، همین رقم جایداد است کم و بیش ده دور و بر.

ک: قبل از وارد شدن در کار تولید هم خانه داشتید؟

NSPrivateKabul030618:‌ قبل از این که کار ره شروع کنیم همو یک خانه ی پدری ره داشتیم که ده میدان هوایی بود.

ک: تصویری از دوست هایتان؟

NSPrivateKabul030618:‌ اگه راست پرسان کنی ما همو رقم دوستی نداریم که به اونها مثال به گردش و چکر برویم. مه به شما گفتم که مه از همی روز شبنه که سر کار خود مشغول میباشیم تا روز پنج شنبه. اگه روز جمعه ره هم بیکار می باشیم، اوقات فراغت ره همرای همو زن و اولاد ما تیر می کنیم.

ک: مثلا کس هایی مثل آقای [نام شخص]

NSPrivateKabul030618:‌ این همکار ما میشه. هم کسب ما است. مثال این، همرایشان رفاقت داریم و فابریکه داره و تولید پیپ ره می کنه.

ک: مسایل امنیتی در سطح کشور بالای تجارت شما تأثیرگذار بوده، به چی شکلی و در کدام وقت به گونه ی مشخص؟

NSPrivateKabul030618:‌ صد فیصد تأثیرگذار بوده. حالی ما شاهد این هستیم که هر روز ما شاهد یک انتحار یا اختتاف یا چور یا چپاول هستیم. به خصوص، ما ساعتی که از خانه ی مان می برآییم پس بازگشت ما به خانه به دست خداوند پاک است. به خاطری که تهدید انتحاری اس سر ما، تهدید اختتاف اس، تهدید چور و چپاول اس، تهدید حادثات ترافیکی و غیره اس. بالخصوص اوضاع افغانستان ده همی سه، چهار سال اخیر انتحاری و همی رقم گپ ها بسیار زیاد شده. همی رقم بازار ما یک دفعه بالا میره و یک دفعه پایین میره.

ک: حجم تولیدتان در یک سال چقدر است؟

‌ NSPrivateKabul030618:‌ 600 تُن، 500 تُن؟

ک: در حدود 600 تُن؟

NSPrivateKabul030618:‌‌ 600 تا 400 بگیرش.

ک: در شرکت ساختار تصمیم گیری به چی شکل است؟

NSPrivateKabul030618:‌‌ خودم تصمیم می گیرم. تصمیم ره از روی بازار می گیریم که بازار چی نیازمندی داشته باشه روی نیازمندی بازار ما برایش تصمیم می گیریم که فلانی ولایت فرضا فلانی بار ره کار داره و فلانی ولایت فلانی بار.

ک: هیئت مدیره و این ساختارها ره ندارید؟

NSPrivateKabul030618:‌‌ داریم [چرا!]. هیئت مدیره برادرم است، خودم هستم، مثلا در رأس کار خودم هستم. تصمیم ره هم خود ما می گیریم چرا که با مشتری ها خود ما ارتباط داریم.

ک: به شاگردها برعلاوه ی معاش؟

NSPrivateKabul030618:‌‌ خدمات دیگر ما این است که معاش شان ره به وقت میرسانیم. بسیار زیاد شهکاری می کنیم که اگر ما بتانیم معاش شان ره همو سر وقت در 28 ام یا 29 ام برسانیم چرا که اینها دست و دهن هستند و امید خداوند پاک و همی شرکت ما کرده اند. دیگه، کدام وقتی اگه یک روز دو روز بیایند یا غفلت وظیفوی داشته باشند، باز برایشان گذشت می کنیم.

ک: نان؟

NSPrivateKabul030618:‌‌ همگی شان ره، از صبح که ساعت 7 بجه می آیند نان صبح، نان چاشت شان هم مربوط شرکت میشه و شب هم که پس میرن به خانه های خود، کس هایی که شب هم اینجه هستند باز 24 ساعت برایشان نان میتیم.

ک: جای بود و باش دارند؟

NSPrivateKabul030618:‌‌ ها.

ک: برای چند شاگرد است که اینجه زندگی می کنه؟

NSPrivateKabul030618:‌‌ این مطابق به سیزن کاری ما تفاوت داره. بعضی وقت 20 نفر میشه، بعضی وقت 30 نفر میشه که محل بود و باش و خوراکه باب شان ره تهیه می کنیم.

ک‌: شامل کدام اتحادیه یا تشکل کارگری هم میشن این کارگرها؟

NSPrivateKabul030618:‌ ما هم اتحادیه ی کارگرها داریم ولی در عرصه ی کارگرهای ما کدام کمکی یا چیزی بکنند، چون خودشان ندارند چیزی زیادی که همکاری کنند، اتحادیه موجود است ولی به نام. این رقم که داخل بیایند و هر شرکت ره بررسی کنند که مثلا این کارگر چی مشکل داره یا مشکل کارگر تا چی حد و حدود است و تا چی حد ره اینها حل کرده میتانن، این طور یک نهادی نیست.

ک: کس های که در تصمیم گیری سهم دارند همه از افغانستان؟

NSPrivateKabul030618:‌‌ بله ها.

ک: دیگر شرکت های که در عین صنعت مصروف هستند، همرایشان می نشینید وقت و ناوقت، مذاکره می کنید؟

NSPrivateKabul030618:‌‌ جلساتی میداشته باشیم، ها.

ک: در قسمت بازاریابی و دیگر عرصه ها؟

NSPrivateKabul030618:‌‌ ما جلساتی میداشته باشیم در ارتباط همین صنعت و تولیدات، مشکلی وجود نداره در این زمینه.

ک: از انها در قسمت بازاریابی و در قسمت توسعه ی شرکت و نوعیت تولید مذاکره می کنید، مشوره می خواهید؟

NSPrivateKabul030618:‌‌ نی، شرکت و تولید یک رمزی است که هر کی رمز کار خوده پیش میبره. هر کی فن و به رشته ی خود پیش میره. هر کی از همو مفکوره ی خودش کار خودش ره پیش میبره. این طور یک چیزی نیس که مثال مه بروم از یک هم کسب یا از یک شرکتدار که اس، از او مشوره بگیرم که مه امروز شرکت مه باید چی نوع پیش ببرم.

ک: پس به گونه ی انفرادی کارتان پیش میره؟

NSPrivateKabul030618:‌‌ ها. هر شرکت به همو مفکوره ی خودش و به همو عقلیتی که خداوند پاک برایش داده، به همو رقم پیش میره.

ک: گاهی برای به دست آوردن کمک های دولت با نهادهای دولتی هم داخل مذاکره می شوید؟

NSPrivateKabul030618:‌‌ مه یک 15 روز پیشتر یک جلسه صنعتکارها داشتند که هفته ی صنعت بود در افغانستان. که رییس صاحب جمهور اشرف غنی ما ره دعوت کرده بود در ریاست جمهوری، همونجه یک نشست داشتیم و یک گفت و گوی بسیار نزدیک مه خودم کتی رییس صاحب جمهور اشرف غنی داشتم که همو خواست ها و مشکلات های که صد راه صنعت و تولید اس همو ره برایشان ارایه کردیم.

ک: فقط در همین مورد شما با دولت ارتباط گرفته اید؟ که به گونه ی منظم شما با آنها در ارتباط باشید و آنها نیازهای شما ره بفهمند [قطع]

NSPrivateKabul030618:‌ ریاست برشنا ره پیهم همرایشان ارتباط داریم و ما یک از مشتری های خوبش هستیم و آنها یکی از فروشنده های خوب برق اس برای ما. اگر ما مشکلات کمبود برق میداشتیم یا هزینه ی بالاتر صرفیه برق میداشته باشیم یا از ولتاژ برق کم می بود، همین مشکلات اگر صد راه ما می بود باز جلساتی با برشنا داشته ایم که برایشان پیشنهاد کرده ایم که همی مشکلات ما ره رفع بسازند.

ک: کدام نهاد دولتی دیگر هم است که در قسمت صنایع مسقتیم در قسمت توسعه ی صنعت شما و در قسمت حمایت از شما یا کدام نهاد دیگری مثل اتحادیه صنعتکارها مستقیم یا غیرمستقیم باعث رُشد صنعت شما شده باشه؟

NSPrivateKabul030618:‌‌ ما خو اصلا در همی 12 سال این طور یک نهادی ره ندیده ایم که دست تولید کار ره گرفته باشه، دست یک صنعتکار ره گرفته باشه. مثال، اگر افتاده باشه از دستش گرفته بلند کرده باشه. یا از تولیداتش استفاده کرده باشه در داخل کشور که رو به رُشد بره. مه خو شاهد همچنین چیزی نیستم. چرا که مه خودم امروز شکوه هایی و گله هایی از دولت مان داریم. همی حال مه خریطه ی ذباله تولید می کنم، خریطه ی سیاه است که در افغانستان اولین شرکتی بوده که مه این ره تولید کرده ام. متأسفانه که چندین بار به ریاست تنظیف و ریاست شاروالی کابل مراجعه کرده ام و رفته ام که بیایید شما از تولیدی که مه داریم و 80 فیصد مربوط شاروالی میشه و به ریاست تنظیف میشه، بیایید از ما بخرید. این ره مروج بسازید در افغانستان که همشهری های ما یاد بگیرند و بازیافت و کثافت هایشان ره ده دهن دروازه نیاندازند، و ده این پلاستیک پرتن. و کارمندهای خود شاروالی جمع کنه. متأسفانه تا به حالی همین یگانه نهادی که باید 100 فیصد با ما همکاری داشته باشه، بالخصوص با شرکت مه، هیچ نوع اقدامی از طرف اینها صورت نگرفته.

ک: در جایی که زندگی می کنید با نهادهای غیرتجاری هم ارتباط دارید، نهادهای مدنی، یک شورای محلی، این گونه نهادها؟

NSPrivateKabul030618:‌‌ ما و شما خو شاهد هستیم که در افغانستان هر کوچه اش وکیل گذر داره به خود و شورا داره. خو تا به حالی این طور مشکلی برای ما پیش نیامده و این طور مشکلی رو به رو نشده ایم [قطع]

ک: آنها نیامده اند که گفته باشند که ما در قسمت تجارت تان این گونه مشوره داریم یا در یک بخشی [قطع]

NSPrivateKabul030618:‌‌نی نی.

ک: این طور زمانی شده که در این 12 سال اخیر احساس کرده باشید که آخر خط رسیده اید و کار شرکت باصرفه نیست و کار ره توقف بدهید؟

NSPrivateKabul030618:‌‌ خُب، در این اواخر، همی ناامنی و اختتافات و انتحاری روحیه ی ما ره ضعیف ساخته بود. از صبح که می برآمدی تا دیگر خبر میشدی که حداقل 500 یا 300 نفر در فلانی جای شهر کابل در انتحاری زده شدند فلانی بچه بی پدر شد، فلانی پدر بی اولاد شد. همی ها روح ما ره بسیار زیاد سر روح و روانمان تأثیر کرده بود. بالخصوص ما که شاهد این بودیم، بازار ما هم بدبختانه رو به رکود میرفت. که این هم باعث میشد که ما بیشتر پژمرده تر شویم. دیگه، این طور یک حالتی رسیدیم که حد اقل همی سرمایه و همی جایدادهای ما ره اگه نقد باشه بگیریم برویم به یک کشور همسایه. از این که نه امنیت ما در اینجه تأمین اس، نه سرمایه ی ما تأمین اس، نه جان ما، نه مال ما. نه از هیچ نظری، ما صبح که از خانه می برآییم، پس شب امید این ره فقط به خداوند داریم که آیا بتانیم خانه و جای خود ما بریم یا نریم. از همین خاطرها بسیار زیاد بعضی وقت مأیوس میشیم. ولی با این همه جنجال و بدبختی و بیچارگی که افغانستان داره، باز هم ما مجادله می کنیم که در افغانستان بینادگذاری کنیم [بنیاد کشور ره بسازیم] شرکت ها بسازیم، کارخانه ها داشته باشیم، تولید باشیم، نه که یک کشور مصرفی. آرزوی شخصی مه همی اس که باید ما هم، تولید کارها هم به عنوان یک کسی که فکر کو در سنگر جنگ هستند، ما هم می خواهیم که از افغانستان در جنگ اقتصادی، اقتصاد کشور ره هر چی زودتر بالا ببریم.

ک: همین انگیزه به شما چی وقت دست داد، چرا می خواهید که افغانستان یک کشوری با اقتصادی خوب باشه؟

NSPrivateKabul030618:‌ چرا که ما و شما می فهمیم، نگاه کن حالی همسایه های ما و شما خودکفا هستند. به بمب اتم رسیده اند، به شیمیایی ها رسیده اند. هیچ نوع تولید خارجی ره داخل کشور شان پیدا نمیتانی. هر چی اگه تولید دارند از خودشان اس. ولی متأسفانه متأسفانه ما امروز به 30 فیصد خودکفایی رسیده ایم که او ره هم ده بخش خوراکه باب و پوشاک و همی چیزها اس. اگه ما هم به 80 یا 90 فیصد خودکفایی برسیم، شاهد این خواهیم بود که جوان های ما، خانه های ما و زندگی های ما شاهد آرامش شوند و آسایش باشند. امروز جوان های ما در بحر غرق میشند برای این که ده مملکت های اروپایی بروند. چرا؟ ممکلت ما هم میتانه اروپایی باشه.

ک: اما اگر وقتی برسه که از لحاظ مالی کاملا شرکت به نقصان بچله، چندین ماه شما به نقص بفروشید، باز هم ادامه میدهید؟

NSPrivateKabul030618:‌ ‌تا جایی که گنجایش داشته باشیم و سرمایه ام باشه، تا آخرین لحظه اش هم ادامه میدهم.

ک: انگیزه یتان چیست برای این کار؟

NSPrivateKabul030618:‌ ‌انگیزه ی ما این اس که ده افغانستان اگه تلاش نکنی عاید به دست نمی آوری. اگه به خاطر این که تو حالی دو ماه بیکار ماندی و متضرر شدی و سرمایه ات ره جمع کنی و بروی خارج، پس تو یک افغان نیستی. یک آدمی هستی که به افغانستان و به اولاد افغانستان و به این خاک این سرزمین دلبسته نبودی و به خاطر چهار قیران پولی که چرک دنیا اس رفتی. همو یک متل اس که "گوشت ره همگی دوست داره ولی گربه یا پشک آن ره زیادتر دوست داره!" امروز پیسه ره کل ما و شما دوست داریم ولی در پهلوی پول، عفت، زندگی، خاک ما، وطن ما هم مهم اس. ما شاهد این هستیم که کس هایی که در اروپا در خارج زندگی می کنه، به خاطر یک ماهی هم که به افغانستان میایه، یک آهی می کشه. یک بار نفسش تازه میشه که افغانستان میایه. ما امید همی ره داریم که ده افغانستان باشیم و اینجه بینادگذاری کنیم و این افغانستانه به یک کشور خودکفا برسانیم.

ک: بازاریابی و فروشات بیشتر در کدام شهر؟

NSPrivateKabul030618:‌ ‌بازاریابی بیشتر، 50 فیصد در شهر کابل است که تجار و کس هایی اس که از مندوی میایند خریداری می کنن. دیگه، به همی 34 ولایت دیگه ما به هر کدامش حد اقل حد اقل اگر به 4 یا پنجش فروشات نداشته باشیم، متباقی به کلش فروش داریم.

ک: این طور فکر نمی کنید که قبل از 2014 تجارت شما قابل پیش بینی بود و رونق داشت و بعد از 2014 تأثیری بالا تجارت شما وارد شد؟

NSPrivateKabul030618:‌ ‌این خو تأثیر بسیار زیاد داشت. پیش از 2014 همی هفتاد و چند مملکتی که بود هم نیروهای خوده به افغانستان راهی کرده بود و کمک ها از هر طرف به افغانستان سرازیر میشد. هر قدر پول و ثروت که در افغانستان زیاد میشد، به همو قدر هم کار و کسب و منفعت و درآمد مردم هم زیاد بود. این که زمزمه هایی شنیده میشد که بعد از 2014 افغانستان باز هم میره به بحران، ما پیش بینی این ره کرده بودیم که بازارها شاید خراب شوه و پول و ثروت و کمک های خارجی ده افغانستان کمتر میشه که این ره چشمدیدش ره ما هستیم که کمتر شد و سر بازارهای ما و سر اقتصاد افغانستان و سر مارکتنگ تأثیراتی داشت.

ک: حد اکثر تعداد کارگری که شما استخدام کرده اید در نقطه ی اوج تجارت تان چند نفر بوده؟

NSPrivateKabul030618:‌ ‌حد اقل در شرکت 200 نفر کار می کرد و کم از کم 300 تا 400 نفر بیرون از شرکت مه کار می کردند که پیش از 2014 مه قرارداد پلاستیک زباله ره با آیساف داشتم و با میدان هوایی بگرام داشتم. این پلاستیک ره مه از بازیافت کابل جور می کردم. اگر 200، 300 نفر ده داخل شرکت مشغول کار بود، در حدود 300، 400 و 500 نفر بیرون از شرکت در داخل شهر مشغول جمع آوری بازیافت پلاستیک بود که این ره میاوردند. فعلا که فروشات نداریم و بازیافت هم نداریم. اگر چه تولیدات داریم اما آنچنانی نی. بسیار کم.

ک‌: آخرین بار در کدام سال شرکت ره توسعه دادید؟ که ماشین نو خریدید، یک واحد نو تولیدی جور کردید، کارگر بیشتر استخدام کردید؟

NSPrivateKabul030618:‌ ما سه سال پیش، انشاالله اگه غلط نکرده باشم. سه سال پیش که همی 2014 زمزمه اش شد و خارجی ها رفتند، و فروشات پلاستیک زباله ی ما کمتر شد، بعد از این پیش بین به این شدیم که ما همی پلاستیک رول، چون قبلا به افغنستان تجارتش ره می کردیم، که ماشین های پلاستیک رول ره بیاریم. که سه سال یا چهار سال میشه که باز این ماشینری ره ما به افغانستان آوردیم و مشغول تولید پلاستیک رول شدیم که حالی خوشبختانه 80 فیصد حاکم هستیم در افغانستان. و انشالله اگه خواست خداوند پاک باشه اگه خواست مردم ما باشه در قسمت پلاستیک رول افغانستان به خودکفایی میرسه.

ک: اگه کالای تولیدی شما 100 افغانی قیمت داشته باشه، از همین 100 افغانی چند فیصدش معاش کارگر میشه؟

NSPrivateKabul030618:‌ ‌خُب از از همین 100 اگه ما یک جنس ره تولید کنیم، حد اقل 70 تا 75 افغانی این مواد خام ما میشه. 5 یا 6 افغانی پول برق میشه. 5 یا 6 افغانی حق کارگر میشه. 4 یا 5 افغانی هم تعلق به خود شرکت می گیره.

ک: مفاد شما پس 4 تا5 افغانی اس؟

NSPrivateKabul030618:‌ ‌همین دیگه ها، این ره ما این طور ستندرد نیس. چون بازارها تغییرپذیر اس.

ک: مواد خام ره از کجا به دست می آورید؟

NSPrivateKabul030618:‌ ‌از کشور جمهوری اسلامی ایران هم میاریم، از امارات اسلامی عرب.

ک: به شمول پکجنگ، لیبل و همه چیز از بیرون میایه؟

NSPrivateKabul030618:‌ ‌همه چیز. یعنی اکثریت که 80 فیصد باشه از بیرون تهیه میشه.

ک: ماشین ها تنها به درد همین یک صنعت می خورند؟

NSPrivateKabul030618:‌‌ خُب ما سه رقم ماشینری داریم. یکی پلاستیک زباله اس که ما میتانیم از پلاستیک هم در او ماشین تولید کنیم. ماشین های کلان ما اس که مخصوص پلاستیک رول اس که پلاستیک رول می خوره. ماشین چوکی داریم که با او هر رقم چیز میتانی تولید کنی، سطل، تشت، ماشین کالا شوویی جور کنی، پمپر موتر جور کنی.

ک: این طور هم شده که تولید تان در گدام باقی مانده باشه، از سال قبل؟

NSPrivateKabul030618:‌‌ ما به این شیوه کار نمی کنیم. ما از روی تقاضای بازار همین 34 ولایت تولید می کنیم.

ک: که سفارش می آیه برای شما؟

NSPrivateKabul030618:‌‌ها. از روی این ما ظرفیت بازار ره می فهمیم. ما تجربه ی 12 سال کار ره ده بخش تولید پلاستیک داریم. می فهمیم که ماه حمل ما چقدر پلاستیک باید تولید کنیم و چقدر مصرف شوه. ماه ثور چقدر تولید کنیم و چقدر به مصرف میرسه.

ک: رقابت با رقیب های خارجی به شما مشکل ایجاد کرده؟

NSPrivateKabul030618:‌ صد فیصد.

ک: به چی شکلی؟

NSPrivateKabul030618:‌‌ اگه ما صادقانه بگوییم دولت جمهوری اسلامی ایران صد فیصد کمک و همکاری داره با صنعتکارهای خود و با تولیدات داخلی خود. که امروز یک کیلو وات برق بالای یک فابریکه دار در ایران یک افغانی می فروشه، مگر ما 6 افغانی از دولت ما می خریم، 7 افغانی می خریم. سیل کنید که چقدر زیاد تفاوت داره. رقابت همین ها اس [قطع]

ک‌: شما چرا همین شرکت ره ده ایران پایه گذاری نکردید؟

NSPrivateKabul030618:‌‌ خُب ما می خواهیم که کشور خود ما سر پای خود ایستاد شوه. نمی خواهیم [قطع]

ک‌: اما از لحاظ مالی [قطع]

NSPrivateKabul030618:‌‌ باشه مشکل نداره. اگر ما مثال در کشورهای خارج سرمایه گذاری می کنیم، امنیت ما برقرار میباشه، سرمایه ی ما تضمین شده میباشه. امروز ما ده افغانستان شاهد این هستیم که هر تاجر و هر صنعتکاری که تجارت می کنه و تولید می کنه، نه خودش در امان اس و نه سرمایه اش و نه زندگی اش. باز هم ما مجادله می کنیم که سرمایه ی خود ما ره و روح و روان خود ما ره در خاک خود ما به مصرف برسانیم تا که از کشور خود ما یک کشور اقتصادی و یک کشور تولیدی بسازیم.

ک: با آنهم، یکی خو انگیزه ی اخلاقی اس، جنبه ی مالی اش هم مهم اس. به خاطر پیشبرد یک تجارت مهم اس که در اخیر ماه یک فیصدی منفعت داشته باشید، یک فیصد به مصارف رسیدگی شوه، از این دیدگاه، چی باعث میشه که شما به تولیدتان در کابل ادامه بدهید؟ امیدواری به بازار وجود داره؟ یا این که شما چون پولتان ره همه اش ره اینجه مصرف کرده اید نمیتانید که دروازه اش ره بسته کنید، یا یک عده ی زیادی از شما قرض گرفته اند؟

NSPrivateKabul030618:‌ نی، این طور یک چیزی نیس. ما میتانیم که در کشورهای همسایه هم تجارت داشته باشیم و صنعت کنیم. حالی اس صنعتکارهای ما که در کشورهای همسایه ی ما فابریکه دارند، تجارت دارند. همی حالی مثلا همی خودش تجارت اس که ما مواد خام ما ره از ایران میخریم و میاریم که تجارت اس با کشور ایران. کاغذی ره که ما میخریم از ایران. یعنی حد اقل 30 فیصد تجارتی که به خاطر تولیداتی که داریم از بیرون میاریم. مثلا مواد خام ما از بیرون میایه و بسته بندی های ما ره مالشه از خارجی میاریم. و اگر کدام قلم مالی که برای تجارت ما نفع داشته باشه، به نفع ما باشه او ره هم ما از کشورهای همسایه خریداری می کنیم و در افغانستان به فروش میرسانیم.

ک: بازاریابی تان به چی شکلی صورت می گیره، یک کسی که نو می خواهید مشتری تان شوه؟

NSPrivateKabul030618:‌‌ ما همی حالی مشتری هایی داریم که حد اقل 4 سال یا 3 سال میشه که همرایشان کار و بار داریم در ولایت ها هستند و تا به حالی همدیگر ره نمی شناسیم.

ک: آنجه نمایندگی دارید؟

NSPrivateKabul030618:‌‌ نی نداریم. از طریق بزنس کارت های ما و تلیفون و شبکه های اجتماعی با ما کار می کنن و پول ما ره هم به اکونت ما می پرتن. این که با ما یک پیره یا دو پیره خوب کار کردند و پول ما ره نخوردند، و می فهمیم هم که چی رقم آدم هستند [...] مثال ما به خوست مال راهی می کنیم تا حالی ما مشتری که ده خوست دارم به نام [نام شخص] دارم که دو سال میشه همرایش معامله دارم اما ندیده امش. ولی می فهمم که ایی نفر یکی از دکاندارهای خوست است و یک آدم خوب است و حق کسی ره نخورده و تا به حالی که مه دو سال تجربه ی کاری همرایش دارم، صد افغانی هم حق مه ضایع نشده.

ک: چند ساعت در روزی شما وقف کار می کنید؟

NSPrivateKabul030618:‌‌ده افغانستان خو هیچ کار ما ستندرد نیست. به امید این که یک روزی برسه که اوقات کاری ما ستندرد شوه و پروگرام زندگی های ما ستندرد شوه. امروز متأسفانه به همی بدبختی و مشکلاتی که داریم پیش میریم. اوقات کاری ما از ساعت 7 صبح شروع میشه تا ساعت 4 که ماه مبارک رمضان اس خلاص میشه. بعد از این هم میریم خانه. یک روزی از روزها در ایران یک تاجر، سر کارگر یک شرکت بود، این کار می کرد و بعد از این که رخصتی شد برای او از همی شرکت زنگ رفته بود، همی صاحب کارش برایش زد زده بود، به سرکارگر خود. این صبح بود که همی کارگر آمد ده شرکت، بسیار اعصابش خراب بود، بسیار خفه و ناراحت. این که آمد ما ازش پرسان کردیم که حسین آغا چرا این قدر خفه هستی و قهر هستی. گفت حق نداره رییس شرکت بعد از این که مه از چوکات کاریم برآییم و رخصت میشم ده چوکات زندگی و شخصی خود میرم، پیش زن و اولادم میرم، حق نداشت که به مه زنگ بزنه و مزاحمم زندگی عامیانه ام شوم. به خاطر چی این زنگ ره بزنه. این سوال و جواب ره باید ده وقت رسمیات میکرد. مگر متأسفانه ما اگه ساعت دوی شب هم یک مشتری ما به ما زنگ برنه، اگه یک کارمند ما یا کارگر ما یا کسی که از ما خرید داره، یا ما به آنها فروش داریم یا یک جنس به ما میاره، ده همو 2 شب هم ما معمولا به او باید پاسخ بتیم.

ک: قبلا در ایران هم پس کار کرده اید؟

NSPrivateKabul030618:‌ ‌تجربه اش ره دارم. تجارت کرده ام، از همین خاطر بلد هستم.

ک: بعد از این که این شرکت ره ایجاد کردید، در جایی دیگری سرمایه گذاری کرده اید پس از این شرکت، ده بخش غیرتولیدی؟

NSPrivateKabul030618:‌ ‌فعلا ما در همی 12، 13 سال اول مشغول تجارت بودیم که از همی همسایه ها اجناس وارد افغانستان می کردیم، می فروختیم. نمایندگی ما ده داخل مندوی هسته، فروشات و تجارت داشتیم. بعد از او به این نتیجه رسیدیم که ده پهلوی تجارتی که داریم، تولید هم داشته باشیم. ده همین 12 سال باز ما رو به تولید و صنعت آوردیم که خوشبختانه فعلا هم تجارت ما پابرجا هسته و هم [قطع]

ک: سیاست نوآوری تان چگونه است به خاطر آوردن تنوع در تولید تان؟

NSPrivateKabul030618:‌ پالیسی های زیاد داریم همی فعلا هم یک پالیسی داریم که ده بخش پلاستیک رول می خواهیم که رول ره به ستندردش برسانیم. رول ره به چیزی برسانیم که اگه یک دکاندار یا مشتری یک پلاستیک می خره این ره ستندرد بسازیم و بفهمه که مه چقدر از این کاغذ اس، چقدرش پلاستیک اس و چقدرش بارجامه یش استه. مگر متأسفانه تا فعلا ستندرد نیس ده افغانستان. همی ره مه در نظر داریم که پلاستیک رول در سالی که از پیش میایه ده سطح افغانستان به بارجامه ی ستندرد تولید شوه.

ک: انگیزه ی تولید؟

NSPrivateKabul030618:‌ چرا که ما می فهمیدیم که منفعت صنعت در افغانستان زیادتر است. افغانستان یک کشور نو به پا سیده است. ما شاهد 30 یا 40 سال جنگ ده افغانستان بوده ایم و امروز اگه هر برادر ما یا هر تاجر ما صنعت ره بخواهه ده کشور رُشد بته، هیچ وقت صنعت او ره پسمان نمیسازه. صنعت روز به روز، تولیدات روز به روز او ره به پیشرفت میرسانه. چرا که امروز اگه ما و شما یک کارخانه ی چبلک سازی داشتیم، امروز اگه او یک ولایت ره تأمین می توانست، اگه 30 فابریکه ی چپلک سازی شوه، 34 ولایت ما ره میتانه تأمین کنه. همی مفکوره ی ما بود که ما می فهمیدیم و اگر باز هم مه تجارتم و صنعتم بالا بره، باز هم به همی صنعت خود ادامه میتم و این صنعت ره دامنش ره کلان می کنم.

ک: ترکیب قومی در بین کارگرهایتان به چی شکل اس؟

NSPrivateKabul030618:‌ ‌مختلف. هزاره، ازبک، پشتون و تاجیک.

ک: اما ترکیب شان به چی شکل است؟

NSPrivateKabul030618:‌ ‌این ره ما تا به حال محاسبه نکرده ایم که از کدام قوم زیاد باشه و از کدام قوم کم باشه. برای مه همگی اش یک برادر اس یک کارگر اس و به چشم اولاد و به چشم برادر ما اینها ره می بینیم. حتایی که حق اولویت ره به کس هایی که بیچاره اس و مظلوم اس و ضعیف اس به او میتیم. حتا کسی که از خود ما هم اس، یا خواهر یا خواهرزاده یا برادرزاده یا بچه ی ماما یا کاکا اگر داریم، اگه یک کارمند بیرونی ما کمی از او احساس ناراحتی می کنه، ما از این که این از خود ما اس، این ره تشویق کنیم نیس، این ره یک کمی تنبیح می کنیم و اونی که یک بیچاره و مظلوم اس و بیگانه اس، او ره یک کمی روحیه میتیم که نی، ما با تو هستیم. بعدا پس میایم سر فامیل خود ما که تو خو شرکت از خودت اس، ما از خودت هستیم بان که همو چهار تا غریبی که امید خدا و دراوزه ی همی شرکت ره کردند آنها نا امید از این شرکت نرند.

ک: تشکر‍!

NSPrivateKabul030618:‌ ‌از شما هم.